

مصباح الہدیٰ ۲۳

# تاجِ مہدی

مجموعہ اشعار مہدی و انتظار  
حاشیہ نوسہ حاج مہدی سلجوقی  
بہ ہمراہ سے فی سبک

علیہ السلام  
عمر الکریم





کتابخانه و اسناد ملی ایران

مصباح الهدی ۲۳

# تأجیعه موعود (۱۵)

مجموعه اشعار و مبالغ اجرا شده توسط مبالغ لاریت حاج مهلی طابقی



تا جمعه موعود(۵): مجموعه اشعار و مدایح اجرا شده توسط مداح  
اهل بیت حاج مهدی سلحشور/گردآورنده کانون فاطمیون شهر  
کریمه. قم: نشر سنابل، ۱۳۹۰.

۹۶ص. مصور؛ ۱۱\*۱۷ س م (مصباح الهدی؛ ۲۲).

بهاء بدون سی دی: ۱۵۰۰۰ ریال. ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۸۵-۰۲-۷  
چاپ اول

شعر مذهبی - قرن ۱۴ - مجموعه‌ها

شعر فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه‌ها

کانون فاطمیون شهر کریمه

PIR ۴۱۹۰/۱۴ ت ۱۳۹۰

۸ فا ۱/۶۳۰۸

۲۵۳۴۹۸۵



### شناختنامه کتاب

نام کتاب: ..... تا جمعه موعود(۵)

گردآورنده: ..... کانون فاطمیون شهر کریمه

ناشر: ..... سنابل

صفحه آرای: ..... حمید جباری نیک

طراح جلد: ..... محسن مویدی

چاپخانه: ..... زلال کوثر

شمارگان: ..... ۴۵۰۰ نسخه

قیمت بدون سی دی: ..... ۱۵/۰۰۰ ریال

نوبت چاپ: ..... اول - پاییز ۹۰

تعداد صفحه و قطع: ..... ۹۶ صفحه - جیبی

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۸۵-۰۲-۷

### مراکز پخش:

پخش زبرجد ۱۲۷۴۹۴۸۹۷

ناشر ۰۹۱۲۶۵۲۴۹۸۲

کانون فاطمیون ۰۹۱۲۴۵۱۶۲۱۶

محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) ۵۱-۷۷۳۳۱۴۱

قم، نرم افزاری کوثر ۰۲۵۱-۷۸۳۱۷۴۶-۸

مشهد تلفن ۲۲۳۳۷۷۷-۲۲۵۰۷۳۴-۵۱۱

مرکز فرهنگی بدر ۰۲۱-۶۶۹۱۴۰۹۴

www.fatemiya.com

پیامک کانون فاطمیون ۳۰۰۰۱۴۰۶

## فهرست

گفتم که... / ۱۵

دل تنها / ۱۷

با یک نگاه / ۱۸

زالال نور / ۲۰

اشرف اولاد آدم / ۲۱

پیغام سپیده / ۲۳

حادثه عشق / ۲۴

نسل بهار / ۲۶

همچو یعقوب... / ۲۷

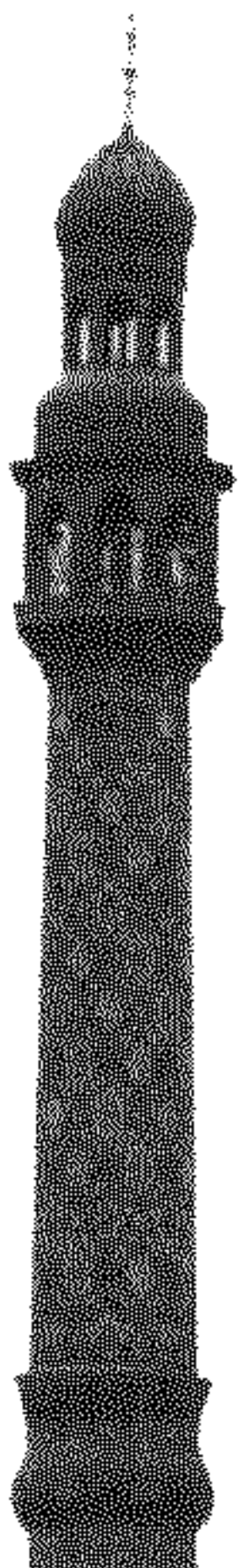
آشنا / ۲۹

یا امام منتقم / ۳۱



- انتظار وصال / ۳۳
- غم عشق / ۳۴
- پایان سفر / ۳۵
- در بستہ / ۳۷
- قنوت گریان / ۳۸
- چشم یار / ۴۰
- دل شکستہ / ۴۱
- عطر حضور / ۴۳
- مجنون / ۴۵
- بیمار قدیمی / ۴۶
- سنگ‌های قیمتی / ۴۷
- حرم / ۴۹
- دم عیسی / ۵۰
- صدای تو / ۵۲
- درد یعقوب / ۵۳
- تمنای وصال / ۵۵
- شبرو مہتاب‌سوار / ۵۷
- پیر شدم / ۵۹

- اذان جمکران / ۶۰  
چه شود اگر... / ۶۱  
شوق دعا / ۶۳  
نرگس پرپر / ۶۴  
شیب تند غیبت / ۶۵  
انعکاس آینه / ۶۶  
دست من و پای تو / ۶۷  
ظهر ظهور / ۶۸  
هوای تو / ۶۹  
نفس آخر! / ۷۰  
من و جدایی؟ / ۷۱  
ترجمان دلتنگی / ۷۲  
نذر / ۷۳  
اگر، اما... / ۷۵  
تمنای باده / پندیات / ۷۷  
سرود همخوانی ۱ / ۸۱  
سرود همخوانی ۲ / ۸۵  
میهمان کریمه / ۸۹



## مقدمه

«امروز مردم زبان شعر را بهتر می‌خواهند...»<sup>۱</sup>

این سخن مقام معظم رهبری، خود، گویای اهمیت والای زبان شعر در ادبیات آیینی و حتی فراتر از آن، در ترویج فرهنگ مذهبی و معنوی می‌باشد.

زبان شعر، زبانی است که به یقین از دل برون آمده و لاجرم بر دل می‌نشیند؛ علی‌الخصوص شعر آیینی که ریشه در عمق جان و روح شاعر دارد و در این میان شعر عاشورایی که از عمق دلی شکسته جوشیده، حسابی ویژه دارد! اما زبان شعر از زبان بیان شعر جداست. چنانچه حضرت آقا در ادامه مطلب می‌فرمایند: «شعر را همراه با هنر خواندن،



برای تفهیم عرضه کنید».<sup>۲</sup>

کسی که شعر را می‌خواند باید حق آن را ادا کند. اصلاً شاید فلسفه ورود سبک به مداحی همین باشد، جهت تأثیرگذاری بیشتر و ماندگارتر. البته متأسفیم که بعضاً سبک‌محور شدن مداحی بلای جان شعر شده. رهبر عزیزمان می‌فرمایند: «آهنگ و آواز خاصی به درد شما می‌خورد، آن هم با شیوه بیان خاص مداحی...».<sup>۳</sup>

مجموعه حاضر اشعار قوی و یکدستی است که به یک دست نوشته نشده؛ دستان شاعرانی چند جوشش زلال دلشان را دیکته کرده‌اند در این کتاب. هیچ بعید نیست که این خطاب حضرت رضا علیه السلام به دعبل، به بسیاری شاعران آیینی امروز هم صادق باشد که حضرت فرمودند: «يَا خُرَاعِي نُطِقَ رُوحُ الْقُدُسِ عَلَى لِسَانِكَ...».<sup>۴</sup>

مفهوم عمیق اشعار این سه مجموعه حاصل عنایت حضرت حق بر دل خوش ذوق و قریحه سروران و برادران

۲. همان.

۳. همان.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۹۴، باب استحباب مدح الأئمة عليهم السلام بالشعر.

عزیزم از شهر مقدس قم و دیگر شهرهاست که همین جا لازم می‌دانم از تک‌تکشان صمیمانه تشکر کنم.

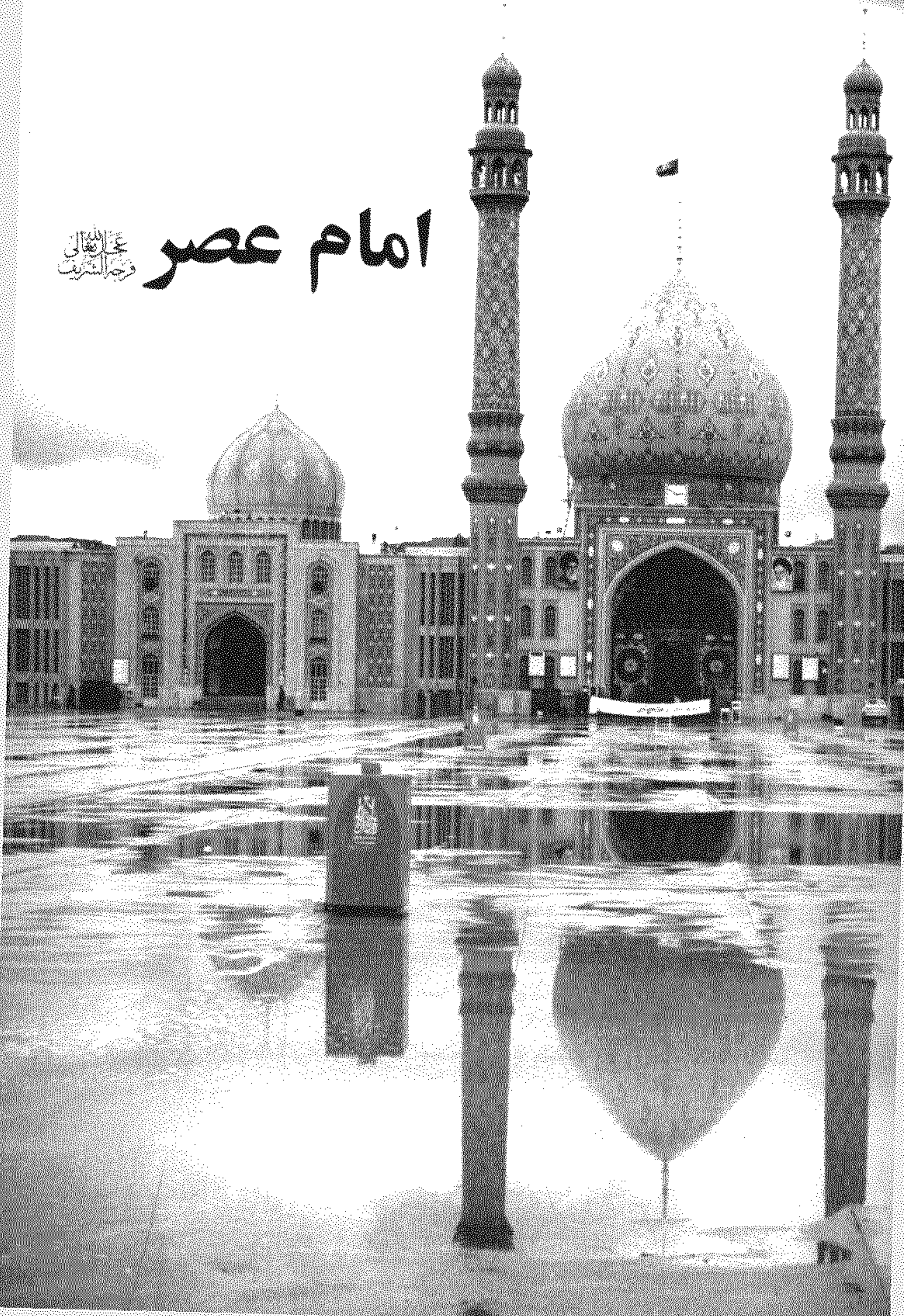
همچنین جا دارد جداگانه از شاعر دلسوخته اهل بیت مرحوم امیرحسین مؤمنی یاد کنیم که ایشان هم از شاعران این مجموعه بودند و الحق و الانصاف جایشان در بینمان خالی است؛ اجر همه‌شان با ابی‌عبدالله.

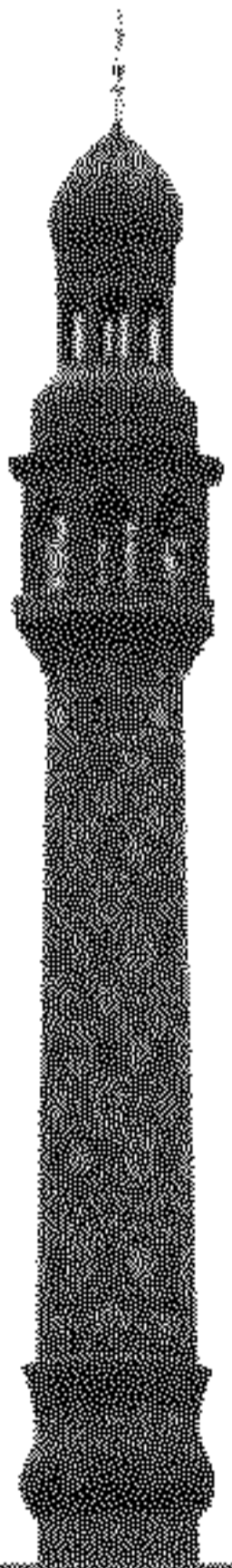
اشعار این مجموعه همراه با فایل‌های صوتی سبک ارائه شده تا ان شاء الله موجب تسهیل استفاده مداحان و مداحی‌دوستان عزیز باشد؛ تا آهنگ و آواز متناسب با شیوه بیان خاص مداحی، همراه اشعار غنی این مجموعه عرضه شود.

ان شاء الله با عنایات حضرت ولی‌عصر، شعرهای آیینی و عاشورایی روز به روز قوی‌تر و پرمفهوم‌تر شود تا نیاز مداحان اهل بیت و بلکه فراتر از آن نیاز جامعه مذهبی محب اهل بیت را در این زمینه کاملاً برطرف سازد.

مهدی سلحشور

امام عصر  
عجل الله تعالى فرجه الشريف





امام عصر

۱۵

## ■ گفتم که...

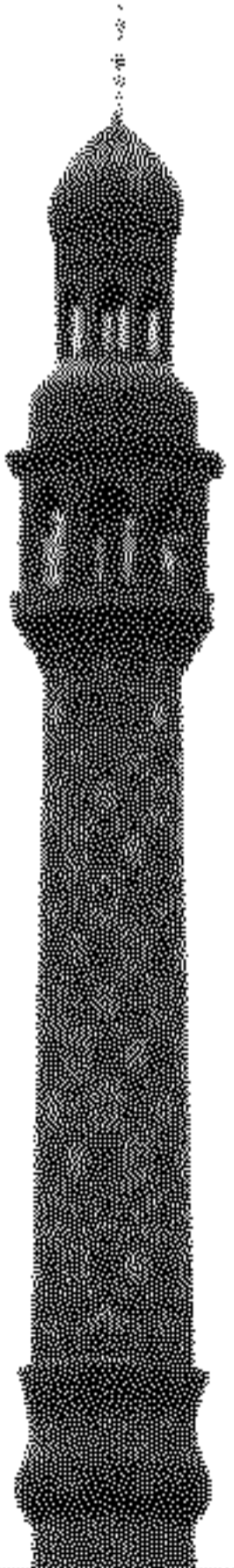
گفتم که بی قرار تو باشم ولی نشد

تنها در انتظار تو باشم ولی نشد

گفتم به دل که جلب رضایت کند، نکرد

گفتم که جان نثار تو باشم ولی نشد

گفتم میان جذر و مد اشک و آه شب  
 در گردش مدار تو باشم ولی نشد  
 گفتم که می‌رسی تو و من هم دعا کنم  
 در دولت تو یار تو باشم ولی نشد  
 گفتم که تا اجل نرسیده‌ست لحظه‌ای  
 در خیمه‌ات کنار تو باشم ولی نشد  
 گفتم که خاک پای تو را تاج سر کنم  
 چون خاک رهگذار تو باشم ولی نشد  
 گفتم به قدر آه دل دل شکستگان  
 در عهد و روزگار تو باشم ولی نشد  
 گفتم دعا کنم که بیایی بینمت  
 مانند مه‌زیار تو باشم ولی نشد  
 گفتم شمیم ماه محرم که می‌رسد  
 در روضه بی‌قرار تو باشم ولی نشد



امام عصر

## ■ دل تنها

ای معطر ز عطر روی شما

باغ سبز بهار باور ما

با شما، ما و یک جهان شادی

بی شما، ما و یک دل تنها

## ■ با یک نگاه

بیا و درد هجران محبان را مداوا کن  
 نگاهی از گرم بر چشم‌های بسته ما کن  
 تمام آفرینش بی تو باشد جسم بی جانی  
 بیا با یک نگر بر خلق اعجاز مسیحا کن  
 بیا از غربت جدت بگو با مردم عالم  
 بیا و چشم ما را از سرشک سرخ دریا کن

بیا دست یداللهی برون از آستین آور  
طناب خصم را از دست‌های عمهات واکن

کنار علقمه با مادر مظلومهات زهرا  
دو چشم خویش را دریا به یاد چشم سقا کن

سر بالای نی، آوای قرآن، خنده شادی  
بیا دروازه ساعات و زینب را تماشا کن

بیا با اشک کن همچون عموی خویش سقایی  
بریز از دیده خون و گریه بر اولاد زهرا کن

بیا بیرون بکش از حنجر شش‌ماهه پیکان را  
پسر که ذبح شد از تیر قاتل فکر بابا کن

بیا تشییع کن با نوجوانان نعش اکبر را  
به اشک دیده خود شستشوی ماه لیلا کن

بریزد خون میثم تا به خاک پای یارانت  
بیا او را برای روز جانبازی مهیا کن





## ■ زلال نور

ما زمزمہ حضور را می فهمیم

معنای زلال نور را می فهمیم

از بس که به داغ انتظارت ماندیم

ای باور دل! ظهور را می فهمیم

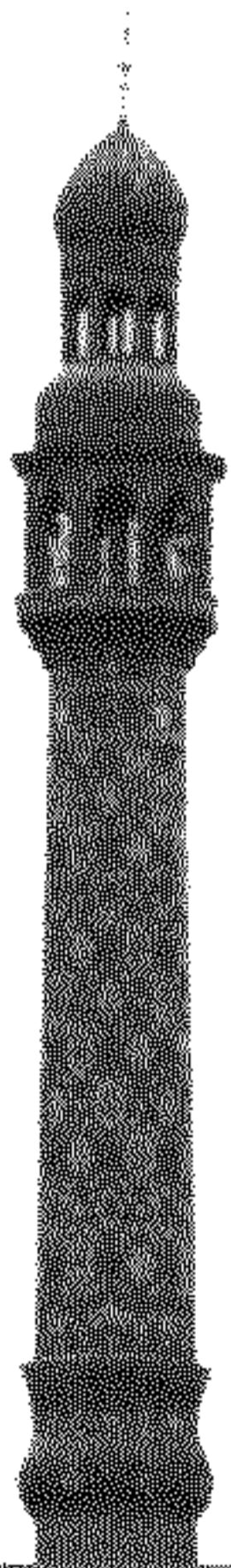
## ■ اشرف اولاد آدم

عزای اشرف اولاد آدم است بیا

عزیز فاطمه ماه محرم است بیا

هلال ماه عزا می دهد ندا به فلک

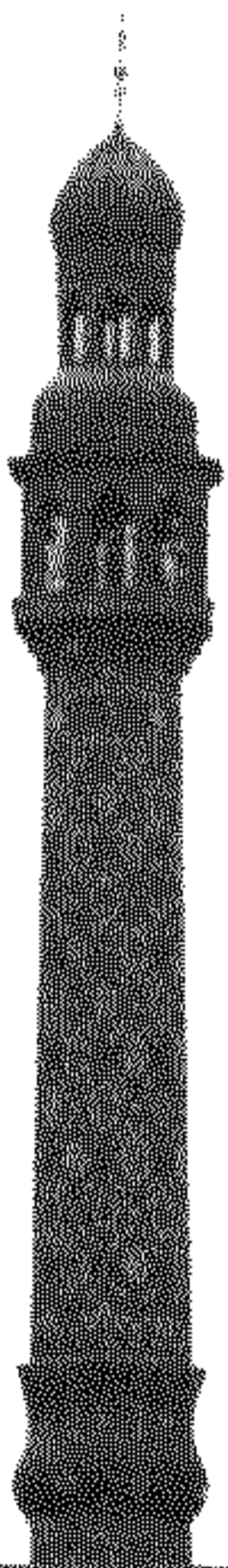
که ماه گریه و اندوه و ماتم است بیا



پریده رنگ ز رخسار مادرت زهرا  
قد رسول خدا در جنان خم است بیا  
لوائ سرخ حسینی ندا دهد همه دم  
که غیر تو چه کسی صاحب دم است بیا  
اگر شوند سماوات چشمه چشمه اشک  
به یاد قطره خون خدا کم است بیا  
به زخم‌های تن پاره پاره شهدا  
خدا گواست که تیغ تو مرهم است بیا  
هنوز غرقه به خون ماه روی عباس است  
هنوز نقش زمین دست و پرچم است بیا  
بیا که پر شده از ذکر یا حسین جهان  
بیا که ولوله در خلق عالم است بیا  
هر آن دلی که به یاد حسین می‌سوزد  
در آن شراره‌ای از شعر میثم است بیا

## ■ پیغام سپیده

آهوی رمیده‌ای که بر می‌گردد  
پیغام سپیده‌ای که بر می‌گردد  
گفتیم شبی سیاه از غم داریم  
انگار شنیده‌ای که بر می‌گردد

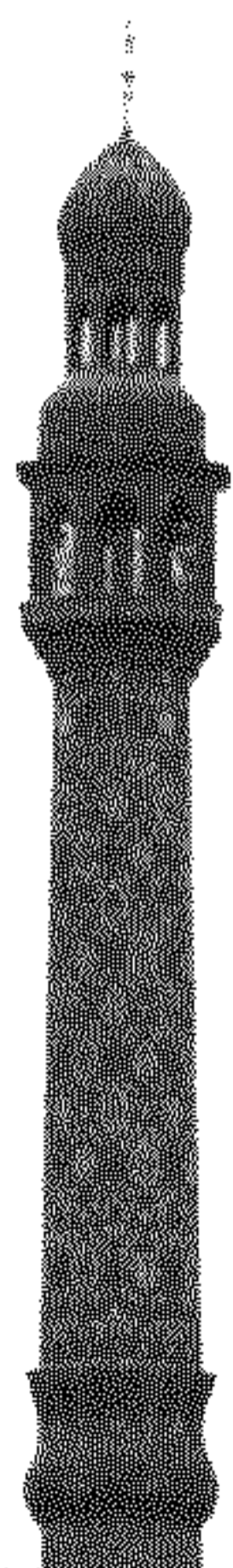


## ■ حادثه عشق

از فراق به جوانی همگی پیر شدیم  
بی تو از وادی دنیا همگی سیر شدیم  
بی خود از حادثه عشق تو دیوانه و مست  
عاشق کوی تو گشتیم و زمین گیر شدیم

تا که وصفی ز کمان و خم ابروی تو رفت  
در پی دیدن رویت همه چون تیر شدیم  
از کمان خانه زلفت همه بالا رفتیم و  
در سرایشی ابروت سرازیر شدیم  
گو گدایان، در این خانه بیایند که ما  
از گدایی به در تو همگی میر شدیم  
عاشقان صید نگاه تو، در بند تواند  
جمله در حلقه تو در غل و زنجیر شدیم

□ محمد صادق کریمی



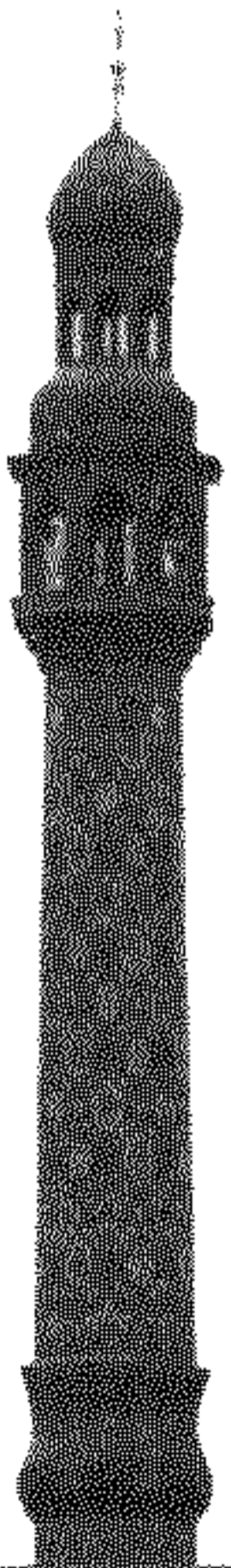
## ■ نسل بہار

از نسل گل و بہار و آئینہ تویی

منظومہ انتظار دیرینہ تویی

ما منتظران وعدہ دیداریم

خورشید زلال روز آدینہ تویی



امام عصر

## ■ همچو یعقوب...

باز گویا خبر از وارثِ قرآن نرسید  
خبر از منتقم خون شهیدان نرسید

سال‌ها خیمه به صحرا زده چون مجنون، لیک  
بویی از خاطر لیلی به بیابان نرسید

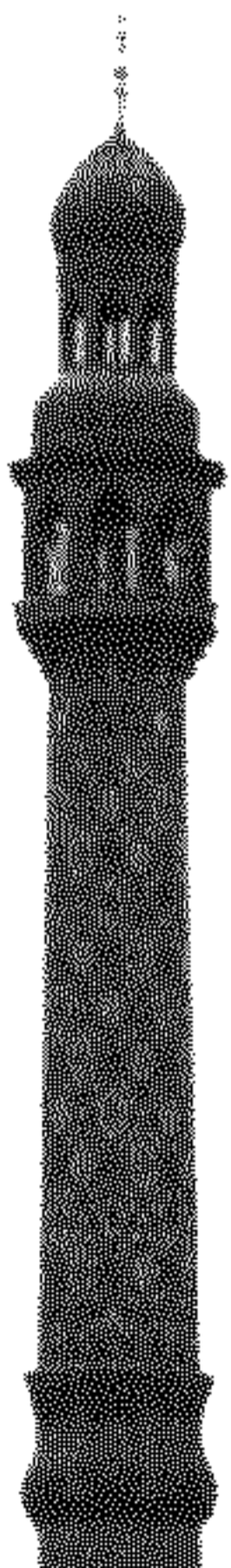


همچو یعقوب مرا دیدہ سپیدہ است ولی  
 باز ہم یوسف گمگشته به کنعان نرسید  
 نشنیدیم صدای خوشی از سمت حجاز  
 شیبہٴ مرکب یاران ز خراسان نرسید  
 عاشقان چنگ به دامان تو با ندبہ زدند  
 دست آلودہام افسوس به دامان نرسید  
 ما کہ بیمار شماییم نہ این رسمش نیست  
 درد دادید ولی نسخہ و درمان نرسید  
 شاہدم زینب کبراست کہ آرام نشد  
 تا لبش بر رگ سالار شہیدان نرسید

□ عباس احمدی

## ■ آشنا

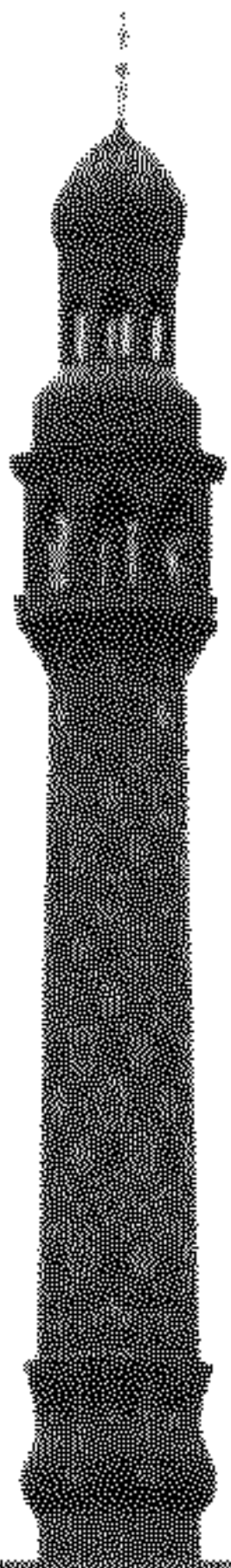
دیدم به خواب آن آشنا دارد می آید  
دیدم که بر دردم دوا دارد می آید  
دیدم که با شال عزا و چشم گریان  
مولایمان صاحب عزا دارد می آید  
تو صاحب این روضه‌ای دریاب ما را  
آغوش خود بگشا گدا دارد می آید



آقا نمی بینی مگر در غیبت تو  
 خیلی سر شیعہ بلا دارد می آید  
 امشب نمی دانم چه سرّی هست کاین جا  
 بوی شهیدانِ خدا دارد می آید  
 در این زمان خط مقدم ہیئت ماست  
 از جبهہ بوی کربلا دارد می آید  
 آری صدای گریہ و عطر مناجات  
 از سنگر و از خیمہ ہا دارد می آید  
 آقا سوّالی داشتیم از سمت گودال  
 آوای وا اما چرا دارد می آید  
 آقا بگو جدت مراقب باشد آخر  
 یک خنجر تیز از قفا دارد می آید  
 ہمراہ با آن قافلہ با دست بستہ  
 یک خانم چادر سیا دارد می آید

## ■ یا امام منتقم

یا گنه خون در دلت ای آسمانی کردهام  
مهربان بودی ولی نامهربانی کردهام  
دارم از موی سپید خود خجالت می‌کشم  
پیرم اما یاد ایام جوانی کردهام



سال پشت سال می آید دریغ از توبہای  
 وای من با نفس شیطانم تبانی کرده‌ام  
 سال‌ها نان خوردم از اسم شما آقا ببخش  
 بچگی کردم غلط کردم جوانی کرده‌ام  
 این همه گفتم ولی آقا محرم آمده  
 باز صحنِ سینه را خانه تکانی کرده‌ام  
 تا که باشم با رقیه در غم سیلی شریک  
 صورتم را مثل زهرا ارغوانی کرده‌ام  
 این دهه مثل شما من آب کمتر خوردہ‌ام  
 یاد آن لب‌های خشک خیزرانی کرده‌ام  
 یا امام منتقم در روضہ‌های جدتان  
 در خیالم از خیامش پاسبانی کرده‌ام

## ■ انتظار وصال

روزی هزار بار دلت را شکسته‌ام

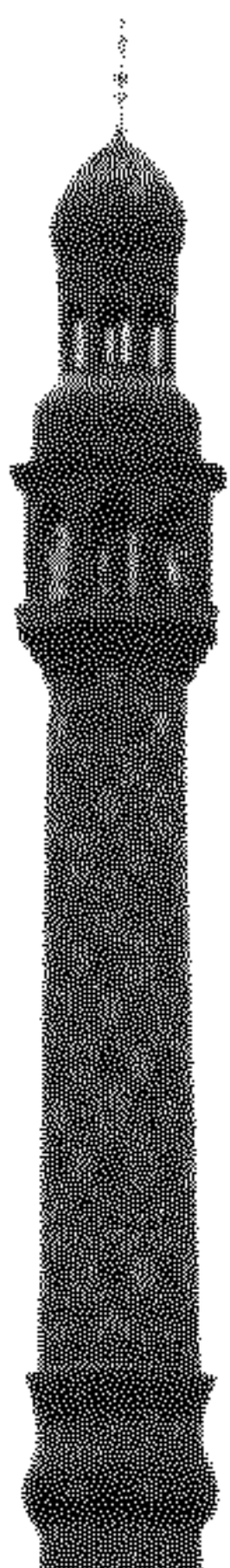
بی خود به انتظار وصال نشسته‌ام

هر بار این توئی که رسیدی و در زدی

هر بار این منم که در خانه بسته‌ام

هر جمعه قول می‌دهم آدم شوم ولی

هم عهد خویش هم دلتان را شکسته‌ام



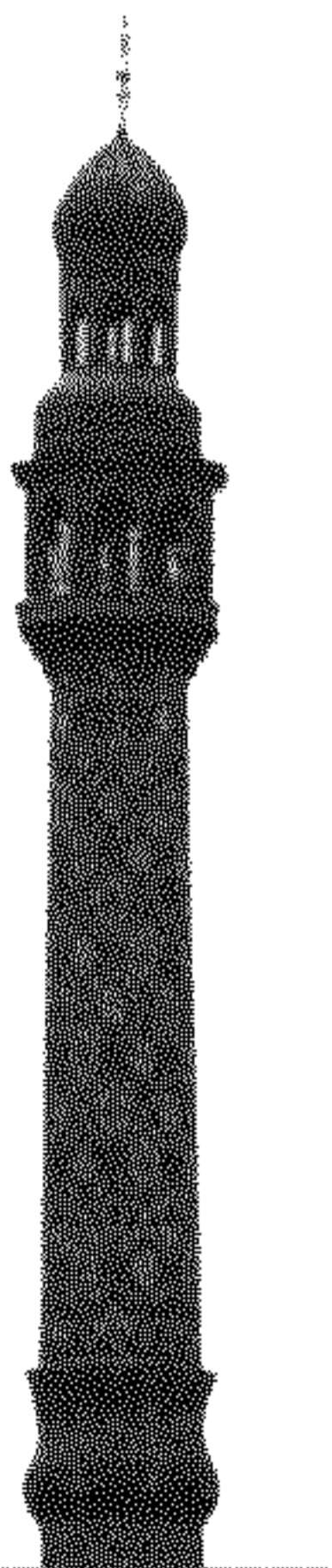
امام‌عصر

## ■ غم عشق

خواب بودم سخن عشق تو بیدارم کرد  
 مست بودم تشر قہر تو ہشیارم کرد  
 یکزمان سر بہ ہوا بودم و از دل غافل  
 تا کمند غم عشق تو گرفتارم کرد  
 منکہ بودم ہمہ جا ذرہ دور از نظری  
 مہر صاحب نظران نقطہ پرگارم کرد

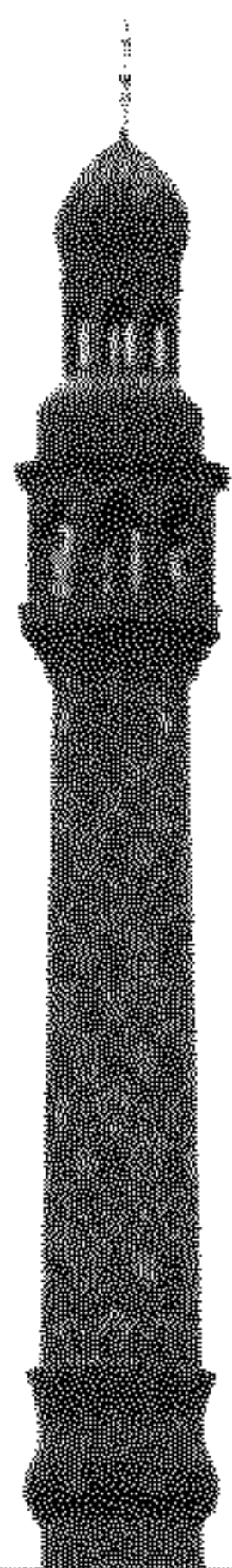
## ■ پایان سفر

شب حرمان دل ما به سحر نزدیک است  
روز برگشتن جانان ز سفر نزدیک است  
در فراقش چه جگرها که نشد خون و نسوخت  
چیدن حاصل خون‌های جگر نزدیک است  
ای به جان آمده از طول شب و سختی راه  
قدمی پیش که پایان سفر نزدیک است





دور ای خار مگیلان که حرم شد پیدا  
 مرگ بر شام تباهی که سحر نزدیک است  
 دل هر جایی من قدر بدان امشب را  
 شب قدر است و دعایت به اثر نزدیک است  
 آفرینش همه را چشم به راه مهدی است  
 فجر تابیدن آن طرفه قمر نزدیک است  
 مهدی منتظر آمد که ز فیض نظرش  
 به نظر آمدن اهل نظر نزدیک است  
 جنبشی در همه ذرات جهان افتاده است  
 آن قیامت که خدا گفته مگر نزدیک است؟  
 دشمن از تیره دلی آمدن مهدی را  
 گر خطر خواند بگو وقت خطر نزدیک است  
 یاد آن شاعر عارف که «مؤید» فرمود  
 که ز شب هر چه برآید به سحر نزدیک است



امام عصر

۳۷

## ■ در بسته

خدا کند که مرا با خدا کنی آقا  
ز قید و بند معاصی رها کنی آقا  
دعای ما به در بسته می خورد ای کاش  
خودت برای ظهورت دعا کنی آقا

## ■ قنوت گریان

دوباره جمعه گذشت و قنوت گریان ماند

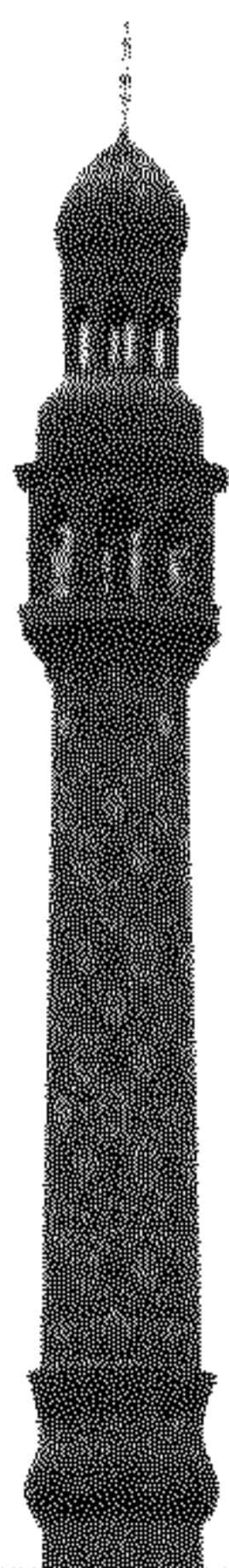
دوباره گیسوی نجوای ما پریشان ماند

دوباره زمزمه کاسه‌های خالی ما

پس از نیامدنت گوشه خیابان ماند

شبیه شنبه هر هفته پشت پنجره‌ام  
و کوچه کوچه شهرم دوباره زندان ماند  
برای آمدنت چند سال بایستی  
در این تراکم بی‌انتهای ویران ماند؟  
نیامدی که بینی نگاه منتظرم  
چه روزها به امید تو زیر باران ماند  
سکوت آخر حرف من است چون بی‌تو  
دوباره حنجره‌ام زیر بغض پنهان ماند

□ محمد بختیاری



## ■ چشم یار

من از اشکی که می ریزد ز چشم یار می ترسم  
 از آن روزی که اربابم شود بیمار می ترسم  
 همه گویند این جمعه بیا اما درنگی کن  
 از اینکه باز عاشورا شود تکرار می ترسم

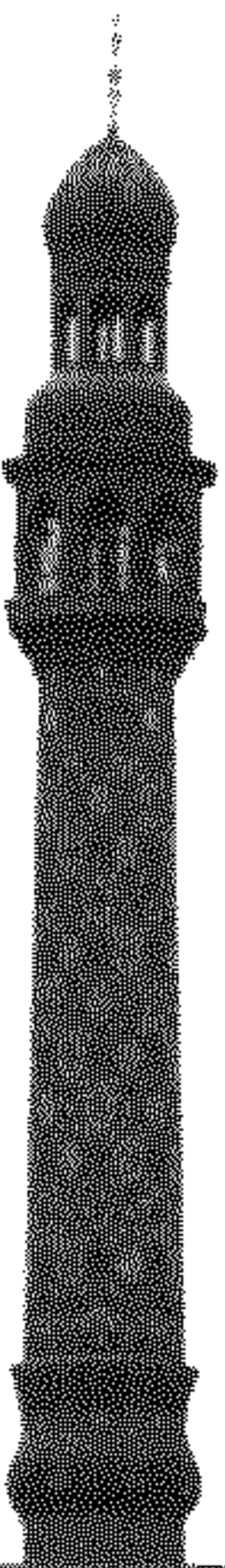
## ■ دل شکسته

بیا که شب ز فراق تو بی سحر مانده

بیا که داغ فراق تو بر جگر مانده

بیا که دیده عالم دگر ندارد تاب

ز فرط گریه برای تو بی گوهر مانده

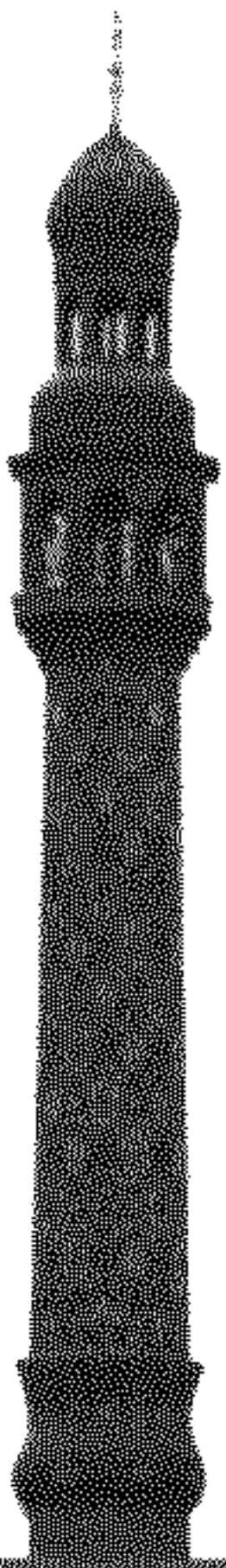


امام عصر

بیا که رنگ خزان دارد آرزوهامان  
 بیا که باغ امید تو بی‌ثمر مانده  
 جواب طعنه زنان را دهم به این جمله  
 که یار و صاحب من در ره سفر مانده  
 دل شکسته من هستی من زار است  
 تمام هستی من بر سر گذر مانده  
 شفا دهند به زخم دل شکسته تویی  
 بیا که ناله زهرا به پشت در مانده

## ■ عطر حضور

دل را پر از طراوت عطر حضور کن  
آقا تو را به حضرت زهرا ظهور کن  
آخر کجایی ای گل خوشبوی فاطمه  
برگرد و شهر را پر از امواج نور کن



امام عصر



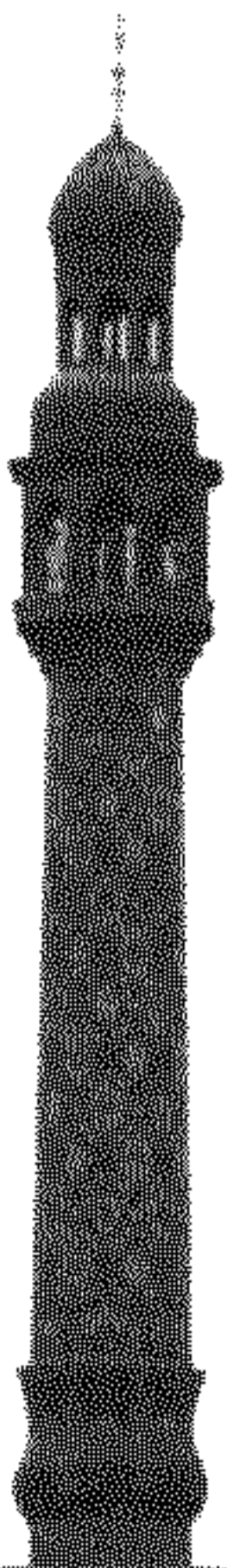
شب‌های جمعه یاد تو بیداد می‌کند  
 آدینه‌ای ز کوچه دنیا عبور کن  
 آقا چقدر فاصله، اندوه، انتظار  
 فکری برای این سفر راه دور کن  
 زین کن سمنند حادثه را تکسوار عشق  
 جان را پر از شراره غوغا و شور کن  
 آقا چقدر ضجه زنیم و دعا کنیم  
 یا بازگرد یا دل ما را صبور کن

□ پروانه نجاتی

## ■ مجنون

تا دل ز عشق‌های مجازی نکنده‌ایم  
مجنون نمی‌شویم و به لیلا نمی‌رسیم

سرگرم چند غزل پوچ و ساده‌ایم  
با این دروغ‌ها که به آقا نمی‌رسیم



امام‌عصر

## ■ بیمار قدیمی

شنیدم قصد برگشت از سفر داری خدا را شکر

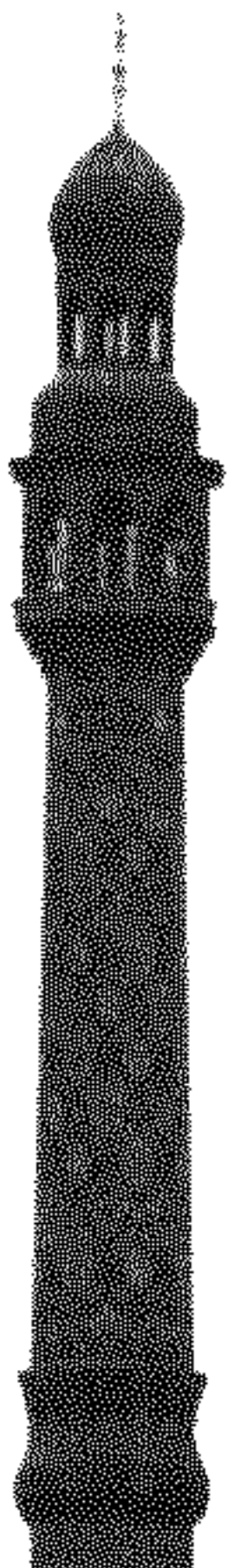
شنیدم خواهی از رُخ پرده برداری خدا را شکر

نیازی بر طبابت نیست بیمار قدیمی را

همین که از من و حالم خبر داری خدا را شکر

## ■ سنگ‌های قیمتی

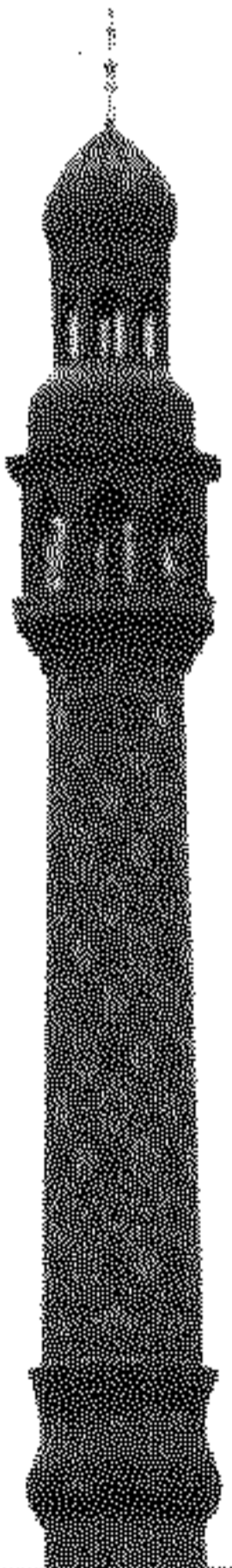
از سنگ‌های قیمتی دانه تراشید  
با یک اشاره هر یکی را گرد خورشید  
نخ شد زمان، هر دانه را انداخت در آن  
تسبیح او با چارده دانه درخشید



امام عصر

سجادہ شد ہفت آسمان، آغوش وا کرد  
 آمد خدا تسبیح را این گونه بخشید  
 شیطانے انسان و لیکن حد ندارد  
 بر سیزده خورشید عالم، سایہ پاشید  
 یا دانہ تسبیح را در تشت زر کرد  
 یا اینکہ در گودال، با نیزہ خراشید  
 اما خدا با بردباری باز رو کرد:  
 «در انتظار آخرین خورشید باشید»

□ سید محمد حسین ابوترابی



امام عصر

## ■ حرم

خدا کند که مرا با خدا کنی آقا  
رقیه و بند معاصی رها کنی آقا  
بیا که فاطمه در انتظار دستانت  
نشسته تا حرمش را بنا کنی آقا

## ■ دم عیسی

جز رحمت چشمان تو دنیا چه می خواهد؟  
 تشنه به غیر از آب از دریا چه می خواهد  
 حالا که موسایم شدی، راهی نشانم ده  
 غیر از نجات، این قوم از موسی چه می خواهد  
 شاید بپرسی از چه دنبال دمت هستم  
 دل مرده نوعاً از دم عیسی چه می خواهد  
 پیغام و پس پیغام یعنی یاد ما هستی  
 مجنون جز این پیغام از لیلا چه می خواهد

پیراهنی بفرست، شاید زنده ماندم من  
جز دلخوشی، یعقوب نابینا چه می خواهد  
تا کیسه ما پر شود احسان تو کافی است  
مسکین به جز خیرات، از آقا چه می خواهد  
چیز مهمی نیست این که ما چه می خواهیم  
باید ببینیم آن جناب از ما چه می خواهد  
ای انتقام پهلوی پشت در خانه  
غیر از ظهور تو مگر زهرا چه می خواهد

□ عباس احمدی





## ■ صدای تو

سر می‌نهم به پای تو یا صاحب الزمان  
جان می‌کنم فدای تو یا صاحب الزمان  
تقدیم می‌کنم سر و جان را زفرط شوق  
گر بشنوم صدای تو یا صاحب الزمان

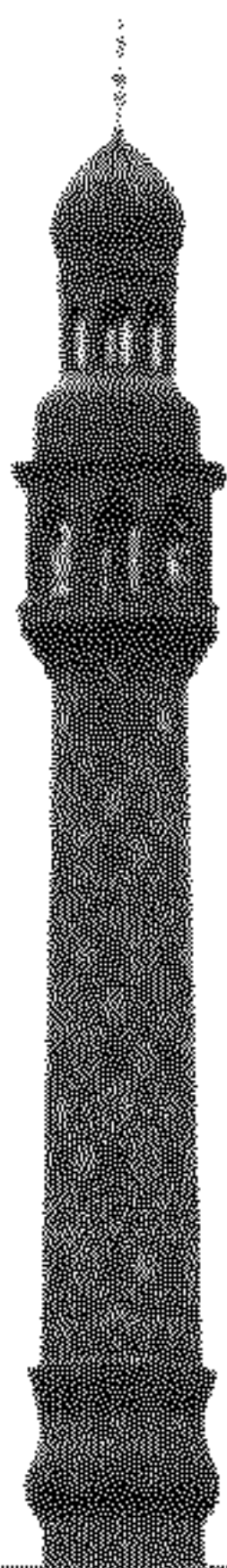
## ■ درد یعقوب

بخت اگر یار ما شود چه شود  
جان به او مبتلا شود چه شود

از شراب زلال معرفتش  
جرعهای سهم ما شود چه شود  
دردم از جنسِ درد یعقوب است  
دردهامان دوا شود چه شود

دیدن روی یوسف زهرا  
آخر ماجرا شود چه شود

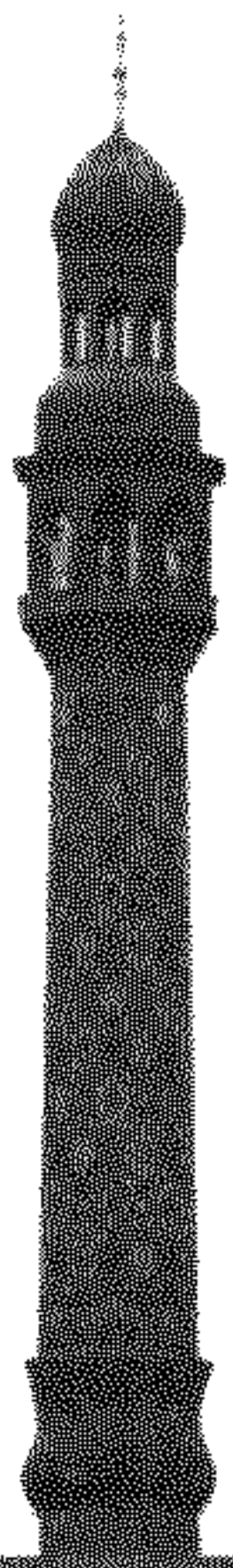
در رکابت اگر که چون عباس  
دستم از تن جدا شود چه شود



روضہ خوان گردد و دو چشمانم  
 خرج صاحب عزا شود چه شود  
 اشک‌هایش دوباره مرهم بر  
 جگر مجتبی شود چه شود  
 چون حسن، آن کریم همسفره  
 با گروهی گدا شود چه شود  
 دل من نیز چون دل زینب  
 خون زطشت طلا شود چه شود  
 یک محرم صفر دل ما ہم  
 نذر خون خدا شود چه شود  
 یا کہ بعد از دو ماہ گریه و اشک  
 قسمتہم کربلا شود چه شود  
 با ظہورش جهان پر از عطر  
 خاتم الانبیا شود چه شود

## ■ تمنای وصال

جز وصال ز خداوند تمنا نکنم  
عاشقم عاشق روی تو و حاشا نکنم  
شمع رویت بفروزد شبی آر محفل من  
همچو پروانه بسوزم پر و پروا نکنم  
بسته‌ام عهد نگارا که دم رفتن جان  
تا نیایی به سرم دیده خود وانکنم

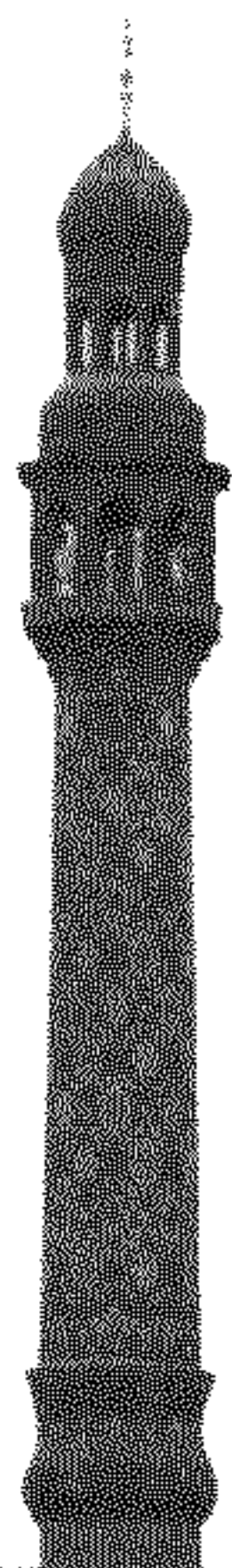


گر دمی لعل لب‌ت را بگشایی به سخن  
 یادی از آب حیات و دم عیسی نکنم  
 گر ببینم قد رعنا‌ی تو ای رشک چمن  
 یاد سرو چمن و قامت طوبی نکنم  
 گر بدانم به خدا منزل و مأوای تو را  
 به جهان غیر سر کوی تو مأوا نکنم  
 میل دنیاش «شکوهی» زپی دیدن توست  
 بی‌جهت نیست اگر میل به عقبی نکنم

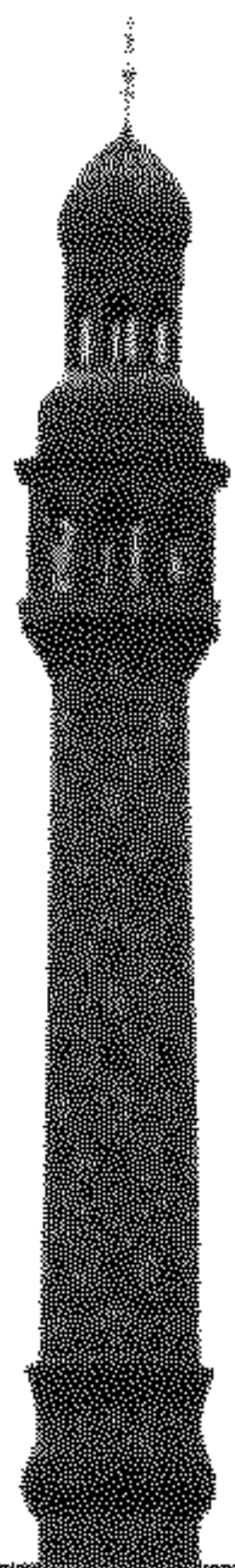
□ هاشم شکوهی

## ■ شبر و مهتاب سوار

آه ای چشم تو فانوس بیابان زدگان  
ساحل امن تو آرامش طوفان زدگان  
ما جگر سوخته آتش آهیم بیا  
دیر گاهی است تو را چشم به راهیم بیا  
هر شب از کوچه صدای قدمت می آید  
اشکم از دیده به پابوس غمت می آید



صبح در آینه اما خبری نیست که نیست  
 از تو بر گونه خشکم اثری نیست که نیست  
 جام عشق از می چشمان تو پر خواهد شد  
 تو گلو تازه کنی حرمله حر خواهد شد  
 گل نشکفته‌ام ای دورتر از دسترس  
 تو زمن دوری و من با تو نفس در نفسم  
 بی تو منصور دلم را به چه داری بکشم  
 پای در دامن سبز چه بهاری بکشم  
 بگذار آینه‌ام غرق نگاهت باشد  
 نقطه عطف دلم؟ خال سیاهت باشد  
 لااقل وعده بده بلکه دلم شاد شود  
 من خراب توام ای خانه‌ات آباد شود



امام عصر

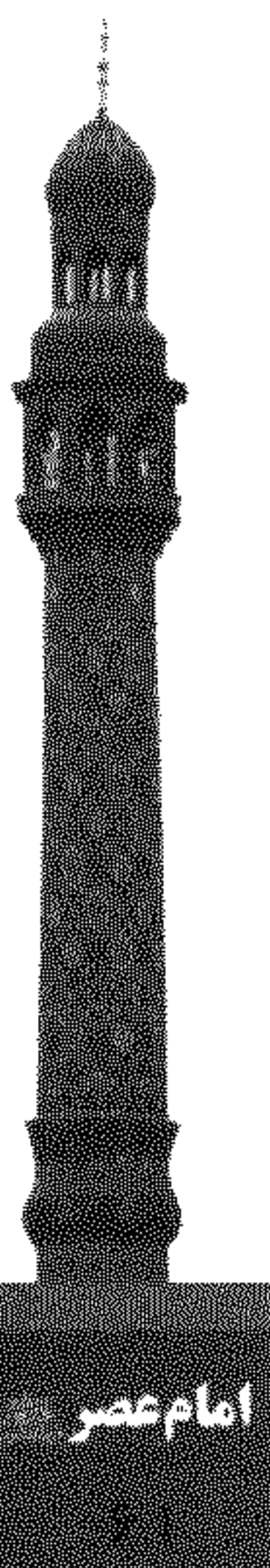
## ■ پیر شدم

هجر تو ز درد و داغ دلگیرم کرد  
اندوه غم زمان زمین گیرم کرد  
گفتند که جمعه می رسی از کعبه  
این رفتن جمعه جمعه ها پیرم کرد



## ■ اذان جمکران

اذان جمکران شوری به پا کرد  
دلَم را از غم عالم جدا کرد  
صبا را گشته بودم محرم راز  
مرا با رمز غیبت آشنا کرد  
بخوان در دل تمنای فرج را  
بگو شاید نگاهی هم به ما کرد



## ■ چه شود اگر...

جز در خانه تو در نزنم جای دگر  
نروم از سر کوی تو به مأوای دگر  
خاک عالم به سرم گر طلبم در همه عمر  
از خدا غیر لقاء تو تمنای دگر  
من که بیمار غم هجر توام می دانم  
جز وصال تو مرا نیست مداوای دگر

پیش ما بی تو بود دوزخ و جنت یکسان  
بی وجود تو نیم طالب دنیای دگر  
دوستدار تو بود هر فرقی در عالم  
همه خوانند تو را لیک به اسماء دگر



امام عصر

## ■ شوق دعا

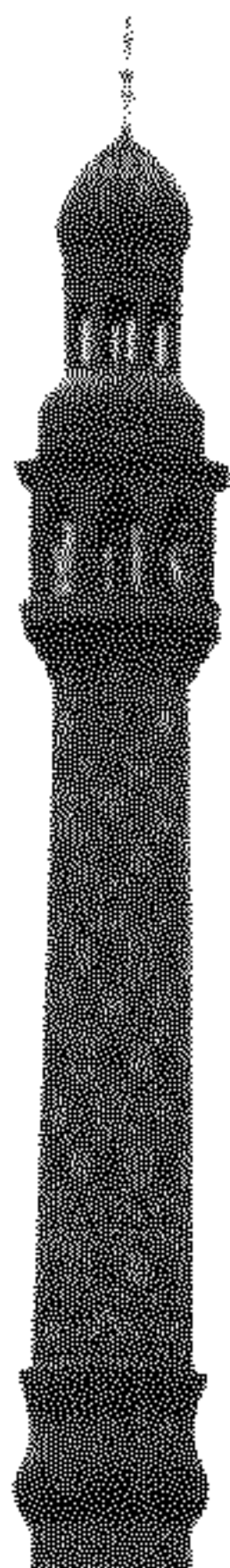
خدایا! زنده کن شوق دعا را  
شبی سرشار کن از خویش ما را  
بین چشم انتظار آن بهاریم  
پراز آینه کن تقویمها را

### ■ نرگس پرپر

ما آه سرد از دل مضطر کشیده‌ایم  
 بار فراق با مژه تر کشیده‌ایم  
 همساز روزگار به عشق تو بوده‌ایم  
 از دوری تو رنج مکرر کشیده‌ایم  
 از بس که از فراق تو افسرده دل شدیم  
 بر سینه نقش نرگس پرپر کشیده‌ایم  
 آقای تو باعث این شد به عاشقی  
 پا از گلیم خویش فراتر کشیده‌ایم  
 ما بر تسلی دل تو در حسینیه  
 هر فاطمیه ناله مادر کشیده‌ایم

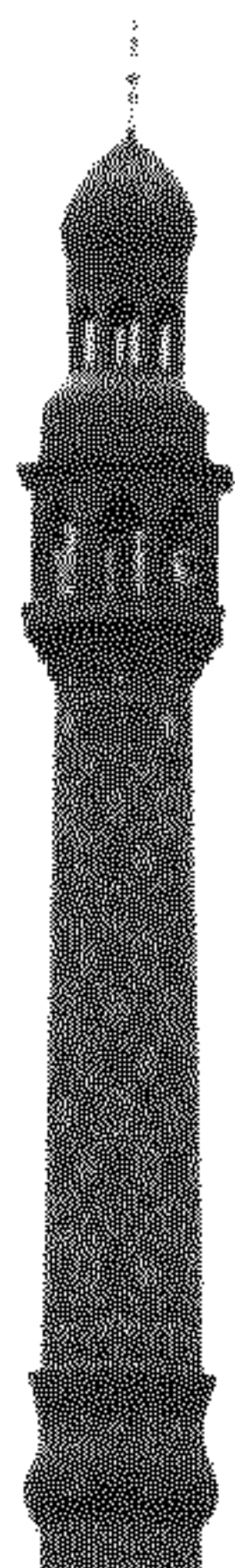
## ■ شیب تند غیبت

ای سبزپوش کعبه دل‌ها ظهور کن  
از شیب تند قله غیبت عبور کن  
درد فراق روی تو ما را زغصه کشت  
چشم انتظار عاشق خود را صبور کن



## ■ انعکاس آینه

شروع می‌شود آغاز واپسین دیدار  
کنار پنجره‌های شکسته دیوار  
و من تو را به تماشا نشسته‌ام ای عشق  
بیا تمام دلت را کنار من بگذار  
مشام جاده پر از انتظار خواهد شد  
اگر تو پا بگذاری سپید شب بیدار  
نگاه روشنت ای انعکاس آینه  
تبسمی ست که هرگز نمی‌شود تکرار  
تو در قلمرو هفت آسمان نمی‌گنجی  
زمین ز وسعت نام تو می‌شود سرشار  
برای زود رسیدن همیشه راهی هست  
کنار جاده گل‌ها بهار را بردار



امام عصر

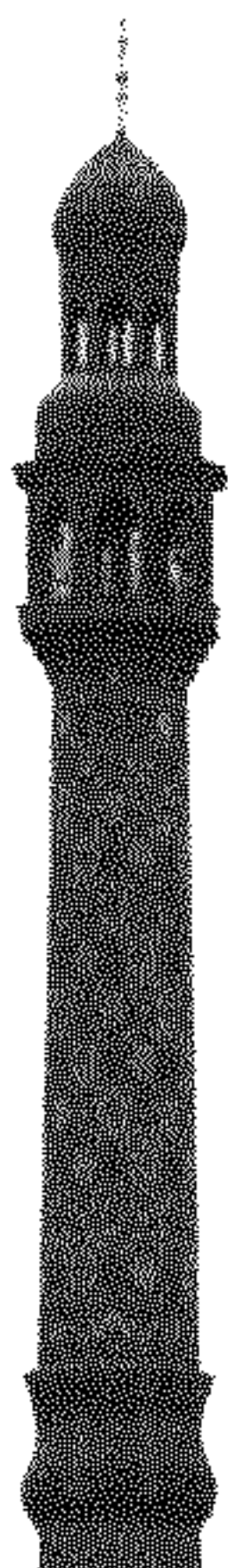
## ■ دست من و پای تو

ای دل شیدای ما گرم تمنای تو  
کی شود آخر پدید طلعت زیبای تو  
نور خدایی چرا روی نهان می‌کنی  
کس نکند جز خدا حل معمای تو  
گرچه نهانی ز چشم دل نبود ناامید  
می‌رسد آخر بهم دست من و پای تو



## ■ ظہر ظہور

چون تشنه به آب ناب دل می بندم  
بر خنده ماہتاب دل می بندم  
ای روشنی تمام، تا ظہر ظہور  
چون صبح به آفتاب دل می بندم



امام‌عصر

## ■ هوای تو

هوای شهر بهاری ولی غم انگیز است

بهار اگر تو نباشی شبیه پاییز است

دلم هوای تو کرده، چرا نمی‌آیی؟

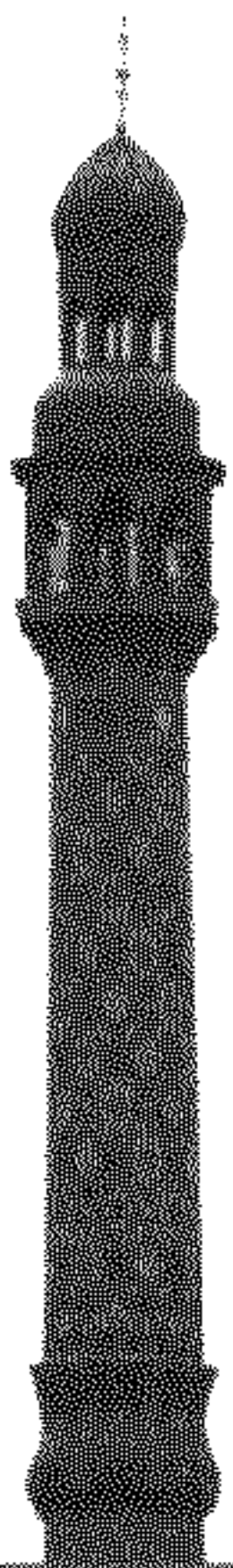
بین که کاسه صبرم ز غصه لبریز است

## ■ نفس آخر!

به انتظار نگاهت ز دیده خون آید  
ز هجر روی تو غم بر دلم فزون آید  
بدون یاد تو گر یک نفس فرو ببرم  
نخواهم آن نفس از سینه‌ام برون آید

## ■ من و جدایی؟

من و از تو جدایی؟ وای بر من!  
تو و بی‌اعتنائی؟ وای بر من!  
به وقت مرگ و در قبر و قیامت  
سراغم گر نیایی، وای بر من!

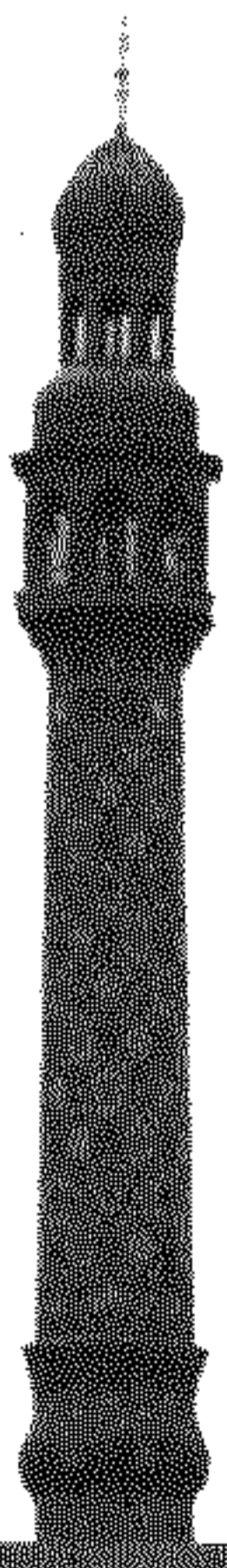


## ■ ترجمان دلتنگی

مائیم و دلی ز عشق رویت سرشار  
ای مرد خدا، سوار آینه تبار  
هر فاصله ترجمان دلتنگی ماست  
باز آ و همه فاصله‌ها را بردار

## ■ نذر

چه نذرها که نکردم برای آمدنت  
بیا عزیز که جانم فدای آمدنت  
بین که در شب تاریک بی‌شما بودن  
گرفته دست به بالا گدای آمدنت  
غروب جمعه رسید و پگاه ندبه صبح  
گذشته و من نشنیدم صدای آمدنت  
در اوج گریه نوشتم برایتان آقا  
خدا کند که بمیرم به پای آمدنت



میان سجده بارانی ام برای شما  
 دعای عشق بخوانم، دعای آمدنت  
 زمان آمدنت را کسی نمی داند  
 خدا، غریب ترین آشنای آمدنت  
 برای آمدن تو نشانه ها دادند  
 مفیدها پی آن کوچه های آمدنت  
 هوای قلب من از دوری تو دلگیر است  
 صفا بیار خودت با صفای آمدنت  
 تمام ترسم از این است بی شما بروم  
 خودت بگو که کجایم، کجای آمدنت؟  
 نگاه گرم زمین از فراق بیمار است  
 خدا شفا دهدش با دوی آمدنت  
 شدم (اسیر) همین هفته های پیوسته  
 چه نذرها که نکردم برای آمدنت

## ■ اگر، اما...

در قلبمان برای شما جا نداشتیم  
اصلاً هوای فاصله‌ها را نداشتیم  
تا اینکه ما عبور کنیم از مسیرتان  
آماده بود جاده ولی پا نداشتیم  
در عرصه گناه جسورانه تاختیم  
شرم از نگاه حضرت زهرا نداشتیم  
از بس صدا زدیم شب و روز، این و آن  
وقت ادای لفظِ (خدایا) نداشتیم  
معلوم نیست گریه ما چند می‌خورد  
حالا که قطره آمد و دریا نداشتیم  
ماه محرم آن دهه اولش عزاست  
انگار بعد از آن غم عظمی نداشتیم

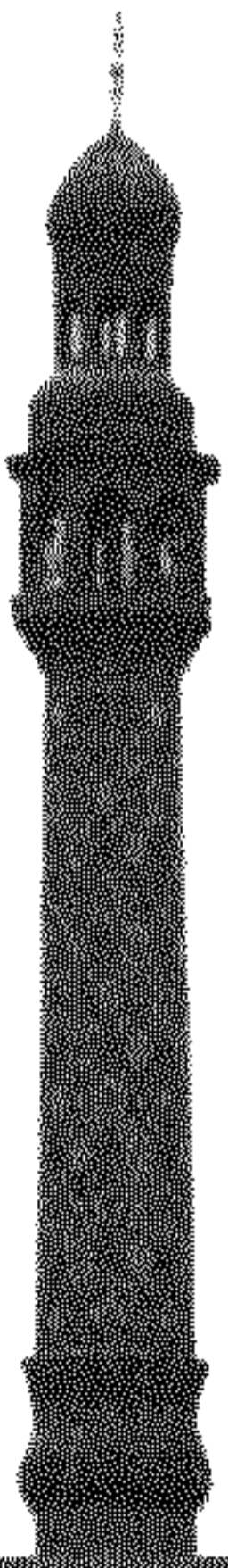




گر روی تو ز چشم تر ما نهان نبود  
 قطعاً که این همه اگر، اما نداشتیم  
 با این همه سیاهی و با این همه گناه  
 بیچاره می شدیم، شما را نداشتیم  
 لطف نگاه تو همه دار و ندار ماست  
 چیزی نداشتیم اگر آقا نداشتیم  
 صد مرده زنده می شود از ذکر نام تو  
 نابود می شدیم، مسیحا نداشتیم  
 در حلّ جدولی که وفا بود نام آن  
 غیر از سؤال زیر معما نداشتیم  
 گر گفته ایم پیرو راه شهادتیم  
 ما داشتیم حرمت شهدا یا نداشتیم؟  
 بس کن (اسیر)، قافیه ها هم تمام شد  
 اسمی که ختم می شده با «آ» نداشتیم

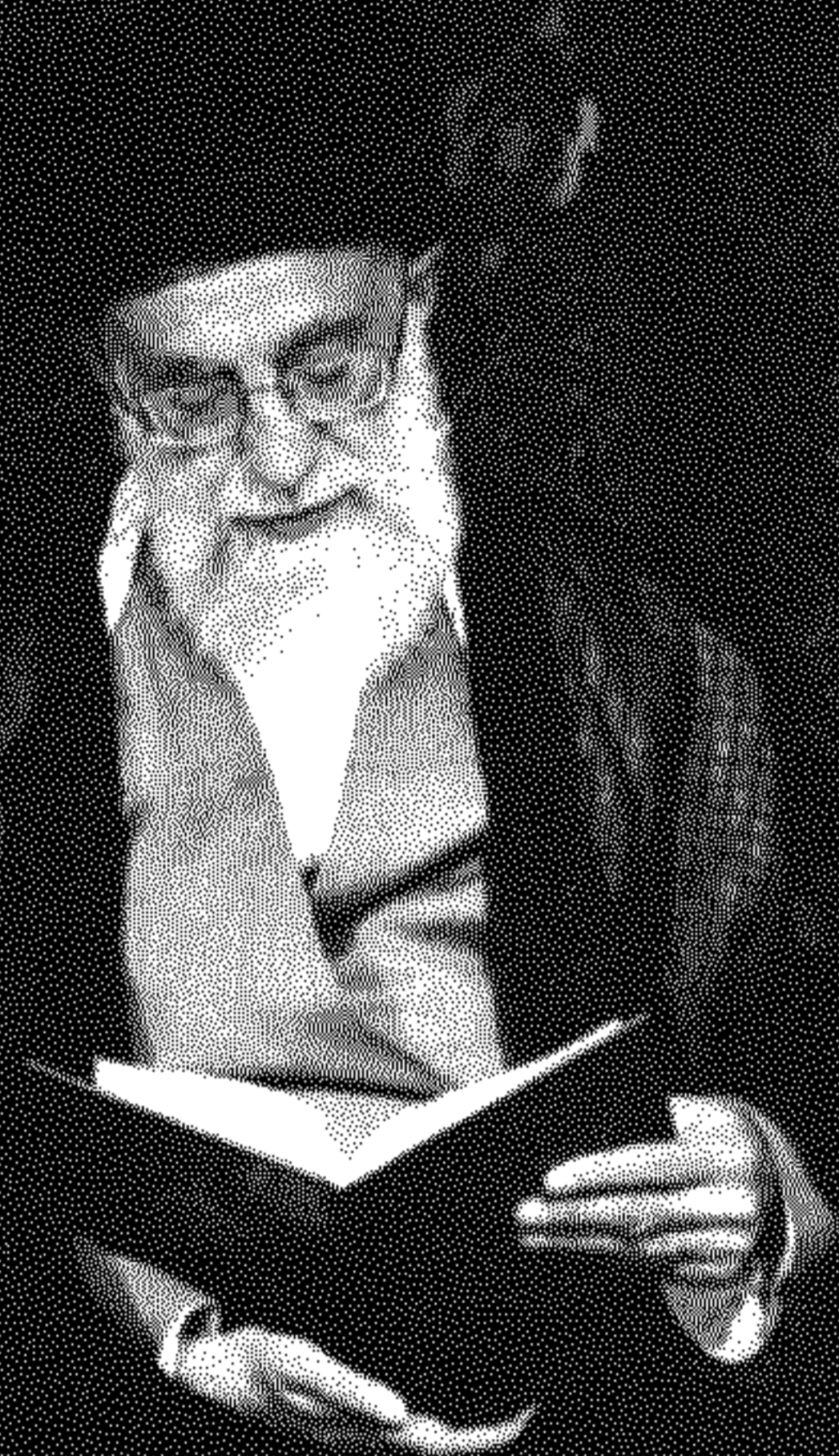
## ■ تمنای باده / پندیات

گاهی دعا که هست هوای اراده نیست  
گاهی اراده هست ولی سهل و ساده نیست  
شب هر که روی بال فرشته پرید و رفت  
روز این قدر برای رسیدن پیاده نیست  
باید رها شد از همه هست و بود خویش  
آری پریدن از سر بام تو ساده نیست  
ظرفیتی بده که تو را جستجو کنم  
وقتی پیاله نیست تمنای باده نیست



ما را در این نماز محرم ادا کنید  
وقتی قضا شدیم که وقت اعاده نیست!  
خانه به خانه گشته‌ام و خوب دیده‌ام  
هرگز کسی به خوبی این خانواده نیست

□ رحمان نوازی



# طلوع خورشید

به مناسبت ورود مقام معظم رهبری

به شهر مقدس قم

## ■ سرود هم‌خوانی ۱

از ضریح مهتاب نور حق معلومه ۲  
حاجتم رو داده حضرت معصومه ۲

کوچه‌های قم گلشن شد

تو دلا جوونه زده امید

چشم دلامون روشن شد

از قدوم سلاله خورشید

از فراز این گنبد

با لطف حضرت، بارون مهر و، جود و سخاوت می‌باره

با عنایت حضرت

امید دل‌ها پسر زهرا به شهر ما پا می‌ذاره

طلوع خورشید

می‌بارد شمشیم احساس میاره عطر گل یاس ۲

دشمناناکامند تا شما رو داریم ۲

امت اسلامیم ما خدا رو داریم ۲

خورشید بخت ما تابید

با ولایت خورشید هشتم

شمس ولایت سر زد از

أفق گنبدِ طلای قم

حوزوی دانشگاهی

اعتقاد ما اینکه ولایت همه روح اسلامه

فقاہت شیعه هشیار

بصیر و بیدار پای نظامه همیشه دشمن ناکامه

پیروزه همیشه امت زیر سایه ولایت ۲

تا نفس باقیه با ولایت هستیم ۲

با خون شهیدان همه پیمان بستیم ۲

بسیجی‌های جون بر کف

توی خط ولایت حیدر

آماده جان فشانی

تنها با یه اشاره رهبر

پرفروغه تو عالم

تا به همیشه صبح سپیده این انقلاب حسینی

کوری چشم دشمن

غمی نداریم تا رهبر ماست آینه دار خمینی

راه ماست راه ولایت در دل‌ها شور و شهادت

---

خالیه بین ما آی شهیدا جاتون

چراغ راه ماست فروغ چشما تون

این نهضت و این عزت رو

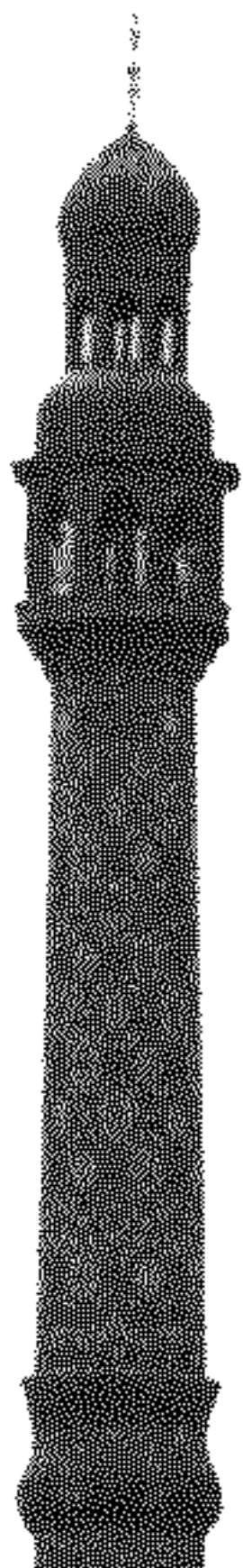
مدیون خون پاک شما ایم

ایشالله که تا آخر هم

تنها تو خط کرب و بلا ایم

جون می‌دیم از این غربت

که رهبر ما به روی لب‌هاش نوای این عماره



طلوع خورشید

شہر خون و قیامہ

تا ہمیشہ قم ہزار تا مثل مهدی زین الدین دارہ  
ما نسل پیر خمینیم رھرو راہ حسینیم ۲

روشنہ راہ ما با نور آقامون ۲

ایشاللہ نزدیکہ ظہور آقامون ۲

سپیدہ حق در راہہ

سر رسیدہ شب غم و غربت

ایشاللہ کہ رھبر ما

پرچمو می دہ بہ دست حضرت

این شب بی ستارہ

ہزار سالہ کہ چشم انتظار رویت چشماہ ماہہ

ذکر لبہاہ عالم

آخر یہ روزی اشھد ان علی ولی اللہ

یا مهدی کعبہ دل ہا یا مهدی یوسف زہرا ۲



## ■ سرود هم‌خوانی ۲

مژده مژده شد آخر پر از گل (باغ دل ما) ۲

روشن از نور رحمت دوباره (شد منزل ما) ۲

مسافر شهر قم اومد

نور دل این مردم اومد

بوی گل گندم اومد

جلوه کوثر ما مبارک

مقدم رهبر ما مبارک ۲

حوزہ علمیہ با حضورت (سرشار نورہ) ۲  
 بزم شاگرد و استاد بہ شوق (غرق سرورہ) ۲

کرم خدا بی حسابہ  
 حوزہ غرق اسلام نابہ  
 پشتیبان انقلابہ

ما کہ بر عہد خود استواریم  
 در راہ انقلاب جان سپاریم ۲

با علی بن موسی شکوفا (مثل بہاریم) ۲  
 یا امام الرئوف از تو داریم (ما ہرچہ داریم) ۲

مشہدالرضا شد دلامون  
 دوست دارہ ماہارو آقامون  
 دعا می کنہ او برامون  
 عشق رہبر تو دل از قدیمہ  
 اشفعی لی کریمہ کریمہ ۲

خالیه توی جشن ولایت (جای شهیدا) ۲  
جون به کف‌های راه خمینی (اون روسپیدا) ۲

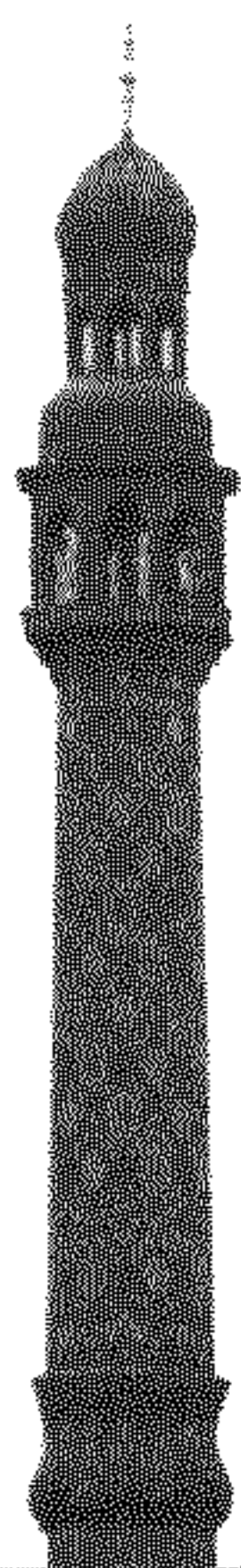
عاشقای حیدر تباریم

در راه خدا بی‌قراریم

از شهیداس هر چه داریم

شهیدا شعر خون خوانده بودند

بر سر عهد خود مانده بودند ۲



طلوع خورشید

---

آتش دشمن ما اگرچه (داره شررها) ۲  
دشمنی می‌کنیم از دل و جون (با فتنه‌گرها) ۲

غیرت دینی شعله‌ور شد

فتنه‌گری‌ها بی‌اثر شد

راه شهیدا زنده‌تر شد

انقلاب انقلابی اصیله

وقت نابودی اسرائیله ۲

مہمون قم رسیدہ دوبارہ (وقت ہم عہدی) ۲  
 خوشا آن روز کہ باشیم ہمہ مست (از روی مہدی) ۲

چشای ماہا مثل کارون

از غم جدایی و ہجرون

اللہم عجل فرج خون

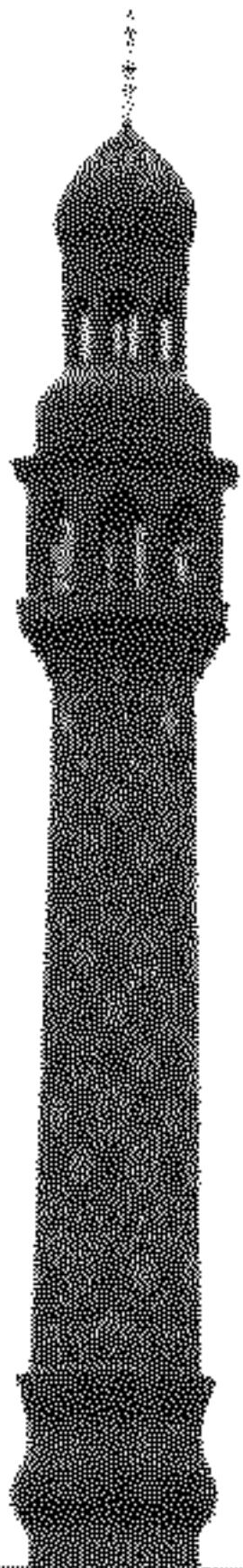
عاشقش بر سر عہد می مونه

ہر شب و روز دلا جمکرونہ ۲

□ جواد محمدزمانی

## ■ میهمان گریمه

مژده آن نور ناب آمده است  
جلوه آفتاب آمده است  
باغ دل‌ها شکوفه خواهد کرد  
وقتی آن عطر ناب آمده است  
ای سؤالات کی چگونه کجا  
آنک آنک جواب آمده است

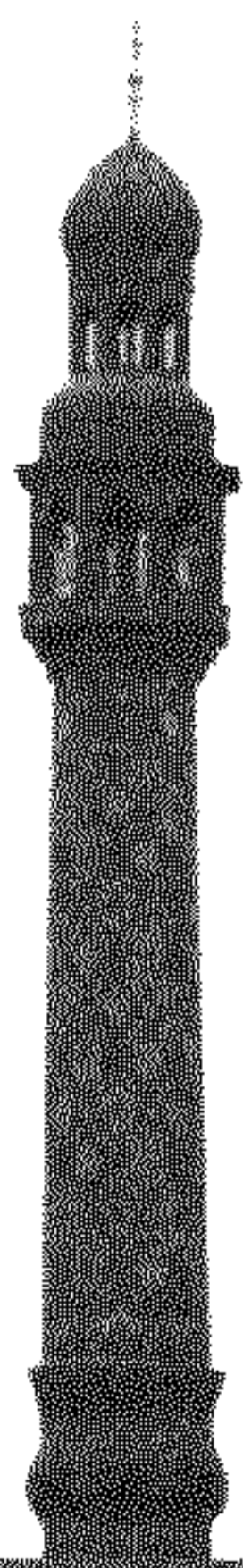


طلوع خورشید

آی پاییزها دوباره بهار  
 با طپش با شتاب آمده است  
 شهر یکسر تبسم و شادی است  
 رهبر انقلاب آمده است  
 چه وقار و شکوه و هیمنه‌ای  
 شیعه را مقتداست خامنه‌ای  
 نسل رودیم زاده دریا  
 موج خیزیم و صاحب ژرفا  
 همچو شمعیم پاک و روشن دل  
 مثل پروانه‌ایم بی پروا  
 ما چو کوهیم باوقار آرام  
 اهل صبریم اهل صبر اما  
 گر بخواند به رزمان رهبر  
 گر که ما را به صف کند مولا  
 می‌زنیم آنچنان به گرده خصم  
 که نماند تنی ازو برجا

هست همت نصیب ما امروز  
هست نصرت از آن ما فردا  
می‌رسد صبح مرگ اسرائیل  
می‌رسد شام دفن آمریکا  
روزی آخر نماز می‌خوانیم  
در شبستان مسجدالاقصی  
این همان وعده است وعده او  
وحده لا اله الا هو

جاده آورده عطر رحمت را  
دشت سرشار شد نجابت را  
میهمان کریمه جاری کن  
در زمین چشمه کرامت را  
با حضور تو قم به یاد آورد  
خاطرات امام امت را  
آن امامی که یاد ازو دارند  
سروها کوهها صلابت را



طلوع خورشید

آن امامی که خوب باور داشت  
که جدا نیست دین سیاست را

یادمان داد پایداری را  
یادمان داد استقامت را  
گاه از انقلابمان می گفت

تا بدانیم قدر نعمت را  
آن امامی که مرد ایمان بود  
پیر رزمندگان لبنان بود

قم شکوهی خدانما دارد  
سایه در سایه روشنا دارد  
قم سحرگاه در سکوت حرم

دست‌هایی پر از دعا دارد  
قم دیار سکوت و رخوت نیست  
قم ازین کارها ابا دارد

قم قیام و خروش و فریاد است  
قم قوام از حماسه‌ها دارد



آری ابلیس خوف قم دارد

قم به فضل خدا رجا دارد

قم سراسر تبسم و شوق است

که در این لحظه‌ها تو را دارد

چه کسی جز تو ای بهار امید

یک بغل یاس در قبا دارد؟

دستِ رشک‌آوران ز تو کوتاه

و علی اهل قم، سلام الله

حوزه از نور عشق سرشار است

حوزه میعادگاه ایثار است

حوزه با لطف حضرت مهدی

تا ظهور، انقلاب را یار است

خواب‌ها دیده دشمن حوزه

حوزه اما همیشه بیدار است

پای دین حوزه ایستاده و بس

دست حق حوزه را نگه‌دار است



طلوع خورشید

در صف جنگ با نفاق جدید  
 حوزه امروز هم علمدار است  
 حوزه و انقلاب همراهند  
 دشمن دشمنان بد خواهند  
 چقدر مانده تا سحر برسد؟  
 از فضا بوی مُشکِ تر برسد  
 دشمن ما هنوز منتظر است  
 عمر این انقلاب سر برسد  
 غافل آنکه چقدر نزدیک است  
 آخرِ کارِ فتنه‌گر برسد  
 جان این خاک، ما مگر مردیم  
 که به جان شما خطر برسد؟  
 جاده‌ها اسب شوق زین کردند  
 تا ز هنگامه‌ها خبر برسد  
 باش تا صبح دولتت بدمد  
 باش تا مژده ظفر برسد

جمعه‌ها بی‌قرار می‌گویند  
روزی آن یار از سفر برسد  
روزی آن یار می‌رسد آری  
دشت‌ها می‌شوند گل‌کاری  
یا رب آن عطر ناب را برسان  
حضرت آفتاب را برسان  
آن سوار دلیر را بفرست  
عزم پا در رکاب را برسان  
خیمه عمرمان عطش دارد  
یا ابالفضل آب را برسان  
انقلاب از دعای او باقی است  
صاحب انقلاب را برسان  
گره از کار عاشقان وا کن  
و جهان را دوباره شیدا کن

□ جواد محمدزمانی